رویدادهای مهم تاریخی

خاورمیانه

ازسقوط امپراتوری عثمانی تا به امروز

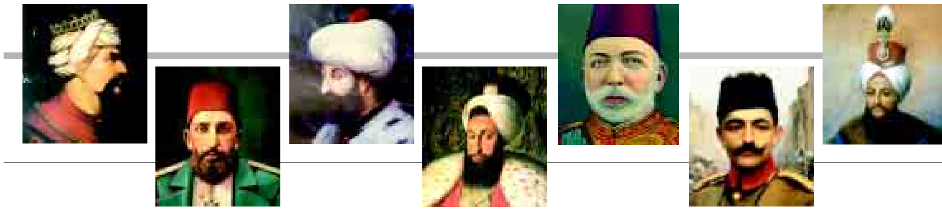

۱۸۷

محسن میرزایی

آیت الله سید محمد طباطبایی:

تکلیف اسلامیت و ایرانیت جز این نبود که تهران را ترک کنیم

در گزارش های پیشین نوشتیم که در سال ۱۹۱۵-۱۹۱۴ که سال اول جنگ بود، دول متفق یعنی انگلستان، امپراتوری روسیه و جمهوری فرانسه نتوانستند دولت هایی را در تهران بر سر کار بیاورند که طرفدار آنها باشد. ناتوانی در این مورد معلول چند مسأله مهم بود؛ اول این که ایران به طور رسمی اعلام بی طرفی کرده بود. دوم این که افکار عمومی طرفدار متحدین (آلمان، اتریش، مجارستان) بود و سوم این که در مجلس شورای ملی اگرچه حزب تندروی دموکرات اکثریت نداشت لیکن توانایی آن را داشت که از ورود طرفداران روس و انگلیس به کابینه جلوگیری کند. در چنین شرایطی جاسوسان آلمانی در غرب و جنوب کشور با نفوذ در عشایر با کمک ملیون و اعضای «حزب دموکرات» قدرتی به هم زده و افراد مسلحی در اختیار داشتند و در مجموع با دست خالی غرب و جنوب ایران را به آتش کشیده بودند و کار به جایی رسیده بود که مبارز می طلبیدند و اعلامیه می دادند و کنسول های روس و انگلیس را در شهرستان ها تهدید می کردند تا آنجا که همزمان با رسیدن مهاجران به قم، کنسول انگلیس در شیراز را با تعدادی از انگلیسیان به اسارت گرفتند و این گروگانگیری در استان فارس تا آزادی گروگان ها، ۹ ماه به طول انجامید. در این اوضاع رایزنی های فرانسویان و انگلیسی ها و روس ها بدانجا رسید که راه حل های دیپلماتیک را کنار بگذارند و به قوه نظامی، آلمان ها را از ایران بیرون کنند. با این مقدمات با حرکت نظامیان روسی از قزوین به سوی تهران، بحران آغاز می شود، دولت بی طرف متمایل به آلمان به ریاست مستوفی الممالک تصمیم به تغییر پایتخت می گیرد و شاه نیز مصمم به ترک پایتخت می شود، به وکلای مجلس تصمیم شاه و دولت ابلاغ می گردد، و تعداد زیادی از وکلای تندروی مجلس «دموکرات» به قم می روند، سفرای آلمان و عثمانی و اتریش نیز به مهاجران می پیوندند ولی شاه در آخرین لحظات از حرکت منصرف می شود. انصراف شاه در میان مهاجران که اتحادی بود از دموکرات های تندرو و محافظه کاران «اعتدالی» ایجاد تردید می کند و چون بازگشت سفرای عثمانی و آلمان و اتریش به پایتخت خالی از خطر نبود. تصمیم بر ادامه سفر به سوی غرب گرفته می شود و ما در این گزارش از آنچه در قم می گذرد می نویسیم. از روزهایی که برای مهاجران و ملت ایران سرنوشت ساز بود و باز می گردیم به خاطرات «مورخ الدوله سپهر» منشی ایرانی سفارت امپراتوری آلمان که همراه با «پرنس رویس» وزیر مختار آلمان به قم رفته است.

حضور آیت الله العظمی آقا سید محمد طباطبایی رهبر بزرگ مشروطیت در قافله مهاجران نشانه این بود که در تصمیم به مهاجرت محافظه کاران و مذهبیون و دموکرات های تندرو متحداً مشارکت دارند

دنباله خاطرات «مورخ الدوله سپهر» منشی ایرانی سفارت امپراتوری آلمان

جمعه ۱۱ محرم ۱۳۳۴ هـ.ق (۱۹ نوامبر ۱۹۱۵)

امروز ساعت چهار و نیم بعد از ظهر خانم سفیر کبیر عثمانی با بچه ها و چند نفر اعضای سفارت از جمله «نزهت بیک» نایب سفارت، وارد قم شدند و نزدیک صحن، منزل کردند.

پنج ساعت بعد از ظهر با «پرنس رویس» وزیر مختار امپراتوری آلمان به بازدید «شاهزاده معتمدالدوله» حکمران قم رفتیم. امروز صبح تلگرافی به امضای ریاست وزرا (مستوفی الممالک) به حکمران رسید مبنی بر این که شاهزاده «عین الدوله» به عضویت کابینه و «شاهزاده فرمانفرما» به سمت وزارت داخله معرفی می شوند.

سه ساعت قبل از ظهر میرزا محمدصادق طباطبایی و میرزا قاسمخان تبریزی و ناصرالاسلام مدیر روزنامه شوری (ارگان حزب محافظه کار اعتدالیون) به ملاقات «پرنس رویس» در اداره ژاندارمری قم آمدند.

«پرنس رویس» گفت من همواره مایل بودم همان طور که با «دموکرات ها» رابطه داشتیم با «اعتدالیون» نیز خصوصیت داشته و در مسائل سیاسی با آنها همکاری کنیم، چیزی که مرا از «اعتدالیون» قدری دور ساخت انتساب شاهزاده فرمانفرما به آن حزب بود که تمایل به روسیه داشت و چندی قبل شنیدم از سفارت روس خواسته است که املاکش را در آذربایجان حفظ نمایند آقا میرزا محمدصادق طباطبایی در جواب اظهار کرد که: انتساب این قبیل اشخاص متنفذ، به احزاب مربوط به سیاست خارجی نیست و فقط راجع به مسائل داخلی است مانند این که دموکرات ها سابقاً شاهزاده «عین الدوله» را با خود همراه کرده بودند تا «اعتدالیون» رأی پیدا کنند. «پرنس رویس» وزیر مختار آلمان، شرح مفصلی مبنی بر «پلیتیک» خارجی ایران و این که صلاح ایران در اتحاد با آلمان است و روس ها محض رسیدن به خلیج فارس می خواهند ایران را بلع کنند، انگلیس ها هم که سابقاً طرفدار استقلال ایران بودند امروز مجبور به سکوت هستند، بیان نمود. تمام مطالب او را (آقا سید محمد صادق) طباطبایی تصدیق کرد قرار شد هیأتی مرکب از «اعتدالیون» و «دموکرات ها» و روحانیون با هم متحد شده به اسم «نجات وطن» و استخلاص شاه از چنگ دشمن، شروع به عملیات نمایند. «پرنس رویس» گفت من یقین دارم که پارتی (حزب) دموکرات به تنهایی نمی تواند ایران را اداره کند. پس از رفتن آقایان، «پرنس رویس» تمجید زیادی از ذکاوت و سرعت انتقال میرزا محمد صادق طباطبایی نمود (طباطبایی بعد از تغییر سلطنت سال ها رئیس مجلس شورای ملی بود).

شنبه ۲۰ نوامبر ۱۹۱۵ (۱۲ محرم ۱۳۳۴)

نیم ساعت قبل از ظهر «شاهزاده ابوالحسن میرزا حاجی شیخ الرئیس» نواده فتحعلیشاه قاجار، به دیدن «پرنس رویس» آمد، معلوم شد از اسلامبول از راه حلب و بغداد تازه وارد قم شده و عازم تهران است. «پرنس رویس» در ضمن صحبت با او گفت: «ژنرال فلدمارشال فن در گلدس آلمان» با یک عده قشون عثمانی مأمور ایران شده و از جنوب «دریاچه وان» تا خلیج فارس را به او سپرده اند. حاجی شیخ الرئیس گفت من با «فن در گلدس پاشا» دوستی صمیمانه دارم.»

از ظهر تا یک ساعت و نیم بعد از ظهر «پرنس رویس» از قم به وسیله تلفن با سفیر کبیر عثمانی و وزیر مختار اتریش که در حضرت عبدالعظیم بودند مخابره می نمود. سفیر کبیر گفت: قشون روس از کرج به «ینگی امام» مراجعت کرده و ما هنوز با دولت ایران مشغول مذاکره اصلاح هستیم.

مسیو شونمان (جاسوس آلمانی که در غرب کشور عملاً حکومت می کرد) که اخیراً از قم به طرف عراق رفته بود امروز به قم مراجعت کرد و در ملاقاتی که با «دموکرات ها» و سایر احزاب نمود، سعی کرد عموم را با یکدیگر متحد سازد. در جواب تلگرافی که اخیراً کمیته دفاع ملی از قم به ولایات مخابره کرده بود امروز تلگراف ذیل رسید: «از کرمانشاهان مورخه ۲۷ عقرب هیأت وزرای عظام و مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه. در جواب صدای بلند «کمیته دفاع ملی» و فریاد طهران پایتخت ایران که عموم ایرانیان را به یاری و فداکاری می طلبند با دلی پر از شور و سر به کف، حاضر به فداکاری در راه استقلال وطن، با تمام قوا حرکت کرده می گوییم: هنوز ملت ایران و سرداران و سواران ایلات و طوایف بزرگ و کوچک جانباز ایران، زنده و در مقابل دشمنان وطن که امروزه با نهایت بی شرمی حمله به پایتخت مملکت ما نموده بعضی از بلاد ما را اشغال کرده اند مثل کوه آهنین ایستاده و در زیر سایه فداکاری خودشان جانبازی نموده، دشمن، را ذلیل و منکوب، پایتخت را از تهدید و سایر بلاد ایران را از وجود قشون دشمن خالی خواهند کرد. ایل سنجابی که کوچک ترین ایلات ایران است موقع جانبازی را مغتنم شمرده حرکت نموده و عما قریب به فضل الهی و توجه حضرت حجت عجل الله فرجه دشمن را تارومار خواهد کرد تا دشمنان این آب و خاک بدانند که ایلات و عشایر بزرگ رشید سایر بلاد ایران چگونه فداکاری در راه استقلال وطن عزیز خود خواهند نمود.

صمصام الممالک- سردار ناصر»

آخرین خبر از تهران

از طهران خبر رسید قبل از ظهر وکلای غیر مهاجر در عمارت بهارستان حاضر شده راجع به اوضاع مملکت و تکلیف آینده مجلس مذاکراتی به عمل آوردند و بالاخره چهار نفر برای ملاقات با رئیس الوزراء انتخاب شدند:

قرار شد از طرف دولت تکلیف آنها در این دوره معلوم و اطلاع داده شود.

یکشنبه ۲۱ نوامبر ۱۹۱۵ (۱۳ محرم ۱۳۳۴ هجری قمری)

محتشم السلطنه وزیر امور خارجه امروز تلگراف ذیل را به وزیر مختار آلمان از تهران به قم به تاریخ ۲۸ عقرب توشقان ئیل: مخابره کرد. نواب اشرف والا پرنس رویس وزیر مختار و ایلچی مخصوص دولت فخیمه آلمان- لازم می دانم در موقع ورود به قم هر چه زودتر به استفسار و استخبار از سلامتی و احوالات سعادت اشتمال مبادرت نموده احساسات مودت آمیز خود را نسبت به نواب والا تجدید و امیدوارم که بزودی در طهران درک صحبت و ملاقات بهجت علامات نواب مستطاب والا بشود امضاء محتشم السلطنه»

پرنس رویس به شرح ذیل جواب داد:

«از قم ۲۱ نوامبر ۱۹۱۵ - طهران جناب مستطاب اجل اکرم افخم آقای حاج محتشم السلطنه وزیر امور خارجه دام اقباله العالی از تلگراف مودت آمیز آن جناب مستطاب که حاکی از حسیات صمیمانه عالی بود نهایت امتنان و تشکر را حاصل کرده و خوشبختانه می تواند از آسایش قم استفاده نموده و بدون آن که ضرر و صدمه به ایران وارد آید در اینجا مشغول خدمت به وطن خویش باشد وزیر مختار آلمان، «رویس»

تلگراف رئیس الوزراء به آیت الله طباطبایی

خدمت حضرت مستطاب حجة الاسلام آقای آقا میرزا سید محمد طباطبایی دامت برکاته در موقع حرکت شرفیابی ممکن نشد که متمنی و ملتمس دعا باشم، امیدوارم از نظر شریف فراموش نشده باشم. حال که لله الحمد به زیارت ایام عاشورا موفقیت حاصل فرموده اید مقتضی است هر چه زودتر به سلامت معاودت فرموده همراهان و آقایان دیگر را هم به مراجعت طهران، امر و توصیه فرمایید. چون جریان مذاکرات در رفع نگرانی ها امیدبخش است البته تصدیق نخواهید فرمود که با تقرب زمستان وضیق مکان و ارزاق، امتداد اجتماعات در آنجا تولید زحمات نماید «حسن مستوفی الممالک»

همچنین امروز ظهر «مسیوهاز» آلمانی با قریب سی نفر سرباز اتریشی از قم به طرف بروجرد حرکت کردند.

دیدار نایب رئیس مجلس با وزیرمختار آلمان

امروز نیم ساعت قبل از ظهر «عدل الملک» دادگر نایب رئیس مجلس به دیدن وزیر مختار آلمان آمد از اتحاد بین عموم احزاب و اشخاصی که به قم آمده اند صحبت شد «عدل الملک» گفت امروز عصر جلسه ای برای همین منظور در منزل «امیر حشمت» (مجاهد معروف) تشکیل خواهد یافت هر طور می فرمایید در آنجا اقدام شود. **«پرنس رویس» اظهار داشت خوبست بیان نامه ای به عموم ولایات تلگرافاً صادر فرمایید به امضای جمیع وکلای متفقین قم، بدون آن که زیاد از روس ها بدگویی یا از آلمانی ها تمجید کنید. همین قدر عامه را دعوت به حفظ و حراست وطن و جمع شدن دور سریر شاه نمایید.**

همدان را از دست ندهید

سه شنبه بیست و سوم نوامبر ۱۹۱۵ (پانزدهم محرم ۱۳۳۴ قمری). امروز یک ساعت قبل از ظهر، «امیر حشمت» در اداره ژاندارمری قم به ملاقات «پرنس رویس» آمد که تعلیمات لازمه را گرفته به طرف «اراک» و همدان عزیمت نماید. وزیر مختار آلمان گفت هر نوع است باید همدان را از دست نداد چون اگر روس ها آنجا را بگیرند ایران به کلی از عثمانی جدا خواهد شد و در چنگ دو همسایه، استقلالش از میان خواهد رفت «امیر حشمت» گفت امروز من با دویست نفر حرکت می کنم چهارصد سوار و سیصد پیاده هم در سلطان آباد (اراک) است عده ای نیز از کرمانشاهان می آیند و همگی به نیرویی که با کنت کانیتس آتاشه (وابسته) نظامی آلمان از بروجرد می آید، ملحق خواهند شد.

«پرنس رویس» از امیر حشمت خواهش کرد هرگاه روس ها سیم تلگراف یا تلفن را در صفحات همدان قطع نمودند، فوراً به او اطلاع دهد. امیر حشمت جواب داد «اطاعت می کنم تمام مطالب را به اطلاع نواب والا خواهم رساند.» دو ساعت بعدازظهر، امیر حشمت وعلی خان سیاه کوهی با قریب دویست نفر سوارهای خود، از قم به طرف «اراک» و همدان حرکت کردند اغلب از وکلای «دموکرات» و «اعتدالی» و «رؤسای مجاهدین» برای بدرقه در منزل امیر حشمت جمع بودند.

سفیر کبیر عثمانی تلگرافی از حضرت عبدالعظیم به قم مخابره نموده «نزهت بیک» نایب سفارت کبری را به تهران احضار کرد او هم بعدازظهر امروز به طرف تهران عزیمت نمود. امروز مؤتمن الملک رئیس مجلس شورای ملی تلگراف ذیل را از تهران به عنوان وکلای مهاجر به قم مخابره نمود:

تلگراف رئیس مجلس به نمایندگان مهاجر

نمایندگان محترم مجلس، امروز رقعه ای (نامه ای) از ریاست وزراء رسید که عیناً درج می شود: ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه، روز دوشنبه هفتم ماه که به مناسبت تقرب (نزدیک شدن) قشون روس به پایتخت، شاه از تهران تصمیم به حرکت فرموده بودند، جمعی از آقایان نمایندگان محترم حرکت فرموده به قم مشرف شدند، حال که با جریان مذاکرات امیدبخش، اراده ملوکانه از حرکت منصرف شده است البته تصدیق خواهید فرمود که امتداد غیبت آقایان معزی الیهم، بیشتر از این اقتضا ندارد و لازم است در چنین موقعی که دولت مشغول تصفیه مهم ترین مشکلات است، با مراجعت آقایان محترم مجلس شورای ملی دایر و به ایفای تکالیف مقرره خود مشغول باشند.

با رفع علت رفع معلول از نتایج طبیعی است متمنی هستم عین این تلگراف را به سایر آقایان که در بلاد دیگر هستند مخابره فرمایند از طرف خود و عموم آقایان حاضرین مؤتمن الملک.»

برای اطلاعات بیشتر ر.ک به «ایران در جنگ بزرگ» تألیف مورخ الدوله سپهر

کوشش برای بازگرداندن مهاجران

پیش از این نوشتیم که مهاجران پس از رسیدن به قم، برای اداره امور مهاجرت، نهادی به نام «کمیته دفاع ملی» تشکیل دادند که اکثریت اعضای آن از نمایندگان حزب تندروی «دموکرات» بودند، با جدی تر شدن امر مهاجرت، به توصیه وزیر مختار آلمان قرار بر این شد که یک کمیته ائتلافی متشکل از اعتدالیون و (محافظه کاران) و تندروها یعنی دموکرات ها و روحانیون مهاجر تشکیل شود. در نتیجه یک هیأت ۴ نفری، نظارت بر امور مهاجرت را زیر نظر گرفت و در نخستین اطلاعیه کمیته ۴ نفری به امضای سیدحسن مدرس و سه تن دیگر این مطالب برای اطلاع عموم در تمام کشور صادر شد.

۱ـ از اصفهان دو تن از خان های بختیاری (صمصام السلطنه و سردار جنگ) با عرض نامه ای برای احمد شاه آمادگی خود را برای تجهیز نیرو و پیوستن به ملیون اعلام داشته اند.

۲ـ دموکرات ها و اعتدالیون در شرایطی که مملکت به واسطه اقدامات اجانب در خطر است عناوین «دموکرات» و «اعتدالی» یا غیر آن را کنار گذاشته از اختلافات اسامی که شاید سبب تولید اختلاف باشد پرهیز کرده همگی تحت عنوان «مدافعین وطن» به انجام وظیفه ملی خود قیام نمایند.

در این روز آیت الله سیدمحمد طباطبایی نیز در پاسخ پیام مستوفی الممالک طی تلگرافی که برای رئیس دولت مخابره شد اظهار نمود: «تکلیف اسلامیت و ایرانیت در شرایطی که قشون اجنبی تهران را تهدید می کرد جز این نبود که تهران را ترک کنیم و به هر طرف که تصمیم گرفته شود عازم شویم. حالا که دولت مشغول اقدامات دیپلماسی شده و جریان امور امیدبخش است، هر ساعت که مژده ختم مذاکرات و اصلاح امور داده شود از اطاعت اوامر دولت متبوع تخلف نخواهد نمود.»

پاسخ رئیس الوزرا به آیت الله طباطبایی

از طهران به قم حضوری توسط حکومت جلیله قم خدمت حضرت حجت الاسلام آقای آقا میرزا سیدمحمد طباطبایی و آقایان نمایندگان محترم و آقای متولی باشی. پس از استعلام از سلامتی آقایان، غرض از مزاحمت معطوف داشتن خاطر محترم آقایان به اهمیت فوق العاده موقع مملکت و اشکالات دولت، جلب مساعدت آن ذوات محترم است برای رفع آن اشکالات و اصلاح اوضاع، چنان که مسبوق هستید از موقع تقرب قشون روس به طهران تاکنون دولت با نمایندگان دولتین مشغول مذاکرات جدی است و امیدوار است به حصول نتیجه رضایت بخش موفق گردد ولی تصدیق می فرمایید اگر اشخاص و دستجات مختلف در نقاط مختلف برخلاف رأی و مشی دولت اقدامات نمایند اشکالات زیاد شده و دولت نائل به مقصود نخواهد شد از قرار «راپورت های» (گزارش های) واصله در قم بعضی اقدامات می شود که به نظر، مخالف مشی و عقاید دولت می آید، این مسأله یعنی تشکیل مرکزهای مختلفه باعث تفرقه قوای مملکت شده ما را به طریق بدبختی سوق می نماید تصور می کنم بر خاطر آقایان پوشیده نباشد که باید تمام قوا و عناصر مملکت در خط واحد مشی نمایند. فعلاً دولت لازم می داند که برای اصلاح حال و مآل مملکت، آقایان علما اعلام و نمایندگان محترم چنان که سابقاً اطلاع داده شده به طرف طهران حرکت فرمایند و از هرگونه اقدام مخالف صلاح، در قم جلوگیری فرمایند، تا دولت با مساعدت آقایان محترم و موافقت نظر آنها، تعقیب مذاکرات را برای اصلاح تمامی اوضاع نموده، نتیجه قطعی را به تمام نقاط مملکت اطلاع دهد. «حسن مستوفی الممالک.»

نخستین برخورد نظامی

از کرمانشاه «کمیته دفاع ملی» در نزدیکی «طاق بستان» مابین قزاق هایی که تحت ریاست «رمانوف» بودند و ژاندارمری و قوای ملی کرمانشاهی، زد و خوردی شده و قزاق ها مغلوب و پس از دادن مقداری اسیر، فرار نمودند و یک توپ به دست ژاندارمری افتاد.

از شیراز مقداری عساکر (عسکر = سرباز) از بوشهر خارج و به طرف بصره روانه شدند گویا در بصره تحت تضییق و تهدید هستند. از زنجان مابین قوای ملی در تحت ریاست میرزا کوچک خان و برادر ضرغام السلطنه زدو خورد شده، برادر ضرغام دستگیر و خوانین متفرق و خود ضرغام هم گویا زخمی شده است. در «اراک» قوای ملی، اداره شعبه بانک شاهنشاهی را ضبط نمودند.

از قم به طهران مقام محترم ریاست وزرا عظام، دامت شوکته. تلگراف مبارک زیارت شد اولاً از توجهات و مساعی جمیله حضرت اشرف که صرف منافع و مصالح مملکتی می فرمایند همگی را کمال تشکر حاصل است و امیدواریم که در پیشرفت مقاصد دولت، موفقت کامل حاصل فرمایند. ثانیاً شرحی که درخصوص موقع حاضر مملکت و مذاکرات هیأت دولت با دولتین و عدم صلاحیت بعضی اقدامات بر خلاف مشی دولت، مرقوم فرموده بودید، با حضور همه قرائت شد، لازم است خاطر مبارک را مستحضر و مطمئن سازیم از این که آقایان مهاجرین در این مدت توقف در قم هیچ طریقه ای جز پیروی مشی دولت اتخاذ نکرده و قدمی برخلاف مصلحت مملکتی برنداشته اند اگر تضییقات و تهدیدات مرکز و استنباط تصمیم حرکت موکب مبارک همایونی سبب گردید که از طهران مهاجرت کرده، گوشه دیگری اختیار نمایند، ابداً در عقیده وطن دوستی تغییر و تزلزل حاصل نگردیده و مصالح مملکتی را از نقطه نظر دور نداشته اند، بلکه خیلی میل دارند که هر چه زودتر دولت از اقدامات و مذاکرات خود نتیجه مطلوبه قطعی گرفته و تکلیف عمومی معین گردد. اما این که امر به معاودت (بازگشت) مهاجرین فرموده اند شاید بر خاطر محترم حضرت اشرف به خوبی واضع باشد که قبل از ختم مذاکرات هیأت دولت و تعیین تکلیف قطعی، مراجعت بی نتیجه خواهد بود. اگر از یک طرف این اطمینان از بهبودی اوضاع حاصل می شود، از طرف دیگر خبر ورود یکصد نفر قزاق به پا یتخت و توالی پیاده شده قشون روس به انزلی، که مثل اخبار عادی در آنجا خوانده می شود، آن اطمینان را سلب می نماید. تا در طهران بودیم آن همه انتشارات داده می شد که بعضی قوا بر ضد بعضی جمع آوری و پاره آلات و ادوات ناریه (آتشین) تهیه شده است بعد از این مهاجرت بر همه معلوم شد که نه قوایی در میان بوده و نه آلات و ادواتی تهیه شده است. حالا هم اگر اخباری در طهران شایع است و راپورت اقداماتی به هیأت دولت عرض می شود، از همان اراجیف و شایعات بی اصل است اینجا که هیچ خبر نیست همه با یک صبر و سکوت، نشسته انتظار می بریم که هیأت محترم دولت، آخرین تکلیف قطعی این مملکت را و بهترین نتیجه را که مشوق مراجعت مهاجرین باشد و عدم ظهور واقعه نظیر ۷ محرم را اطمینان بدهد، اعلام فرمایند والا مصداق این شعر می باشد: کس نداند که چرا رفت و چرا باز آمد.

ادامه دارد